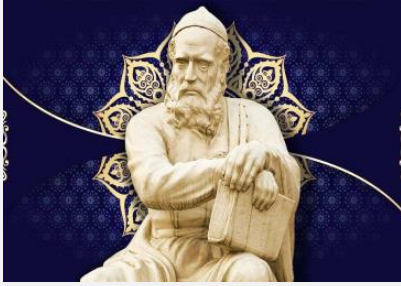


خیام؛ اندیشمندی فراتر از زمان

خیام اندیشمندی برای همه اعصار شناخته می‌شود که همزمان هم ریاضیات را دگرگون کرد، هم آسمان را سنجید و هم ژرف‌ترین پرسش‌های فلسفی را در چهارپاره‌هایی ساده جاودانه کرد.



خیام اندیشمندی برای همه اعصار شناخته می‌شود که همزمان هم ریاضیات را دگرگون کرد، هم آسمان را سنجید و هم ژرف‌ترین پرسش‌های فلسفی را در چهارپاره‌هایی ساده جاودانه کرد.

تندیس خیامدر بیست و هشتمین روز از اردیبهشت ماه، باد خنک نیشابور یادآور تولد مردی است که برای همیشه در خاطر جهان، زنده و مانا ماند. آن روز که غیاث الدین ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری در سال ۴۲۷ هجری به این کره خاکی قدم نهاد، کسی نمی‌دانست این کودک روزی هم پایه ستارگان خواهد درخشید و در کره ماه جایگاهی ویژه خواهد یافت. او در دوران حکومت سلجوقیان، ریاضی دانی بی‌بدیل، شاعری پراوازه، فیلسوفی حکیم و منجمی مبرز بود که احاطه و تسلط به انواع دانش‌ها، وی را به بیان اعترافی عمیق واداشت: «اسرار ازل را نه تو دانی و نه من/ وین حل معما نه تو خوانی و نه من»؛ کسب دانش‌های متعدد، دریچه‌ای به جهانی از ندانستن‌های بشر بر او گشود. همان‌گونه که محاسبات دقیق نجومی اش گواه دانش ژرف اوست، این ابیات ساده نیز حکایت از ژرف‌نگری بی‌مانندش دارد.

زیست و زمانه خیام

نیشابور آن روزگار با تمام آشوب‌های سیاسی اش، بستر رشد مردی شد که اندیشمندی برای همه اعصار شناخته می‌شود. ترکان سلجوقی که بر خراسان حکم می‌راندند، شاید هرگز نمی‌دانستند در قلمروشان کسی زندگی می‌کند که نامش تا ابد در حافظه تاریخ ثبت خواهد شد. زمانی که جلال الدین ملکشاه سلجوقی و وزیر دانش دوستش، خواجه نظام الملک از خیام دعوت کردند تا سرپرستی رصدخانه اصفهان را بپذیرد، گویی ستاره‌ای در آسمان نجوم ایران درخشید. آن ۱۸ سال اقامت در اصفهان، ثمره‌هایی گران بها به بار آورد؛ زیج ملکشاهی با آن محاسبات دقیق نجومی پدید آمد. زیج، معرب زیج، کتابی است که منجمان احوال و حرکات افلاک و کواکب را از آن معلوم می‌کنند؛ درواقع زیج، قانون تنجیم است.

خیام در سال ۴۵۸ هجری، طرحی انقلابی برای اصلاح تقویم ارائه داد که به تقویم جلالی شهرت یافت. پیش از خیام، جهان در پیچ و خم تقویم‌ها گم شده بود؛ تقویم «چرخه خورشیدی» با پیشینه‌ای کهن، تقویم «ژولیانی» با مبدأ سال ۴۵ پیش از میلاد، تقویم «سزاری» اسپانیا با مبدأ سال ۲۸ پیش از میلاد، تقویم‌های «اکسیون» و «پپسا» هر دو با مبدأ یک سال پیش از میلاد و تقویم «گریگوری» که امروزه در بیشتر کشورهای جهان رایج است.

اما مشکل بنیادین در این گاه‌شماری‌ها این بود که سال قمری، ۱۰ روز و ۶ ساعت و ۱۱ ثانیه از سال شمسی کوتاه‌تر بود. خیام با نبوغ خود راه حلی یافت: هر چهار سال یک روز به سال اضافه و سال چهارم ۳۶۶ روز محاسبه شود؛ اما نوآوری اصلی او این بود که پس از هر ۲۸ سال (هفت دوره چهارساله)، به جای افزودن روز به پایان سال، این روز به دوره نهم منتقل شد. نتیجه تلاش این اندیشمند، تقویمی چنان دقیق شد که سال جلالی را به سال شمسی واقعی (۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۶۴ ثانیه) نزدیک‌تر کرد.

خیام و جهان ریاضیات

در سایه آموزه‌های ابوطاهر قاضی القضاات سمرقند، خیام نیشابوری در وادی پیچیده معادلات درجه سوم گام نهاد و اثری ماندگار پدید آورد. این کتاب ارزشمند با توجه به پیوند نزدیک خیام و خواجه نظام الملک طوسی، به وزیر دانش‌پرور سلجوقی تقدیم شد؛ اما دستاوردهای خیام در قلمرو جبر، فراتر از زمانه اوست؛ رساله جبر او که دیرزمانی ناشناخته ماند، هنگامی که یافته شد، اندیشمندان را به حیرت واداشت. این اثر چنان ژرف و نوآورانه بود که برخی آن را برجسته‌ترین کتاب جبر سده‌های میانه خواندند.

خیام نه تنها در جبر و معادلات درجه سوم پیشتاز بود، که در هندسه نیز پایه‌ها را استوار کرد. اثبات اصل پنجم اقلیدس که شالوده هندسه اقلیدسی است، از او چهره‌ای بی‌همتا در تاریخ ریاضیات ساخت؛ اما نبوغ او در همین جا پایان نیافت؛ کشف و اثبات بسط دوجمله‌ای $(a+b)^n$ و روشی که برای یافتن ضرایب آن ابداع کرد، چنان شگفت‌انگیز بود که ریاضی‌دانان پس از او، مثلث حسابی را به احترامش، مثلث «خیام - نیوتن - پاسکال» نامیدند. این دستاوردها نام او را در کنار بزرگان علم برای همیشه در تاریخ ثبت کرد.

ریاضی دانی که شعر نیز می‌سرود

در نگاه نخست، شاید پیوند میان رباعیات نغز خیام و محاسبات خشک ریاضی دور از ذهن تصور شود، اما در ژرفای اندیشه او، این دو جهان، شعر و ریاضی، به گونه ای شگفت درهم تنیده اند. همان دقتی که خیام در سرودن رباعیات به کار می برد، در حل مسائل ریاضی نیز نمود می یافت. شاید از همین روست که امروز، خیام هم در مقام شاعری خردگرا و هم ریاضی دانی ژرف اندیش در یادها مانده است. سیمای شاعرانه خیام؛ از گمنامی تا جهانی شدن

در روزگار حیات خیام، همگان او را ریاضی دان و منجمی برجسته می شناختند، بی آنکه از شاعری او خبری داشته باشند. هم عصرانش چون نظامی عروضی و ابوالحسن بیهقی در آثار خود هیچ اشاره ای به رباعیات او نکرده اند. نخستین بار در «خریده القصر» عمادالدین اصفهانی، در سال ۵۷۲ هجری، نزدیک به پنج دهه پس از درگذشت خیام، نام او در مقام شاعری ذکر شد.

رباعیات خیام چنان ژرف نگرانه و بدیع بود که سبکی ویژه در شعر فارسی پدید آورد و حتی «مضامین خیامی» را به مثابه گفتمانی فلسفی در ادبیات جاودانه کرد. داریوش شایگان این اندیشه ها را همچون «ماسه ای نرم» توصیف می کند که هرچه بیشتر در مشت فشرده شود، بیشتر می گریزد. به باور او، خیام با وارونه کردن نگاه افلاطونی به هستی، جهانی ترسیم می کند که نه آغاز دارد، نه پایان و انسان در آن فقط «میهمان یک باره صحنه جهان» است.

شفیعی کدکنی در اثر «هزاران سال انسان»، خیام را هم خانواده فکری فردوسی و ناصرخسرو می داند؛ متفکری که افکارش بر پایه های خرد استوار است؛ اما شعرش را به دانش نظری وابسته نکرده است. به گفته او، رباعیات خیام «اعتراضی خردمندانه به کارگاه آفرینش» محسوب می شود؛ اما همین شهرت باعث شده تا بسیاری از رباعیات عاشقانه یا الحادی دیگران نیز به نام او ثبت شود.

محمود دولت آبادی نیز به دوگانگی نگاه خیام چنین اشاره می کند: «خیام در رباعیات، سوگنامه ای بر ویرانی های تاریخ است و در نوروزنامه، کوششی برای باززایی زیبایی های فراموش شده ایران باستان.»

نوروز نامه که مجتبی مینوی آن را تصحیح کرده، پژوهشی درباره ریشه های جشن نوروز و آیین های پادشاهان اساطیری ایران است. خیام در این کتاب با الهام از شاهنامه، تاریخ و افسانه را درهم می تند تا تصویری زنده از فرهنگ ایرانی پیش از اسلام ارائه دهد. در کنار رباعیات که آکنده از اندوه گذرابودن جهانند، نوروزنامه نشان دهنده دلبستگی عمیق او به بازسازی هویت فرهنگی است. چهره ای ماندگار در آسمان

جایگاه و شخصیت علمی خیام به گونه ای است که همه اندیشمندان جهان با او و دستاورد های علمی اش آشنا هستند. والتین ژوکوفسکی، خاورشناس روس، خیام را هم تراز «ولتر» (فیلسوف روشنگری فرانسه) و ابوالعلاء معری (شاعر و فیلسوف عرب) می داند. جورج سارتن، پدر تاریخ علم، از خیام با عنوان یکی از بزرگترین ریاضی دانان قرون وسطی یاد می کند.

او نه تنها در زمین، که در آسمان نیز جایگاهی ممتاز داشت و به پاس خدمات برجسته اش در علم نجوم، حفره ای در ماه به نام او ثبت شد. در سال ۱۹۸۰ نیز سیارک ۳۰۹۵ به افتخار وی، «Omar Khayyam ۳۰۹۵» نام گذاری شد. میراث علمی خیام

حکیم نیشابوری در گستره حیرت انگیزی از علوم، میراثی به این شرح از خود به جای گذاشت؛ فیزیک: میزان الحکمه؛ هواشناسی: لوازم الامکنه؛ ریاضیات: رساله فی براهین علی مسائل الجبر و المقابله که نوعی پیشگامی در حل معادلات درجه سوم بود؛ موسیقی: القول علی اجناس التی بالاربعا که کاربرد ریاضی در نغمه ها بود؛ الهیات: رساله کون و تکلیف؛ نجوم: زیج ملکشاهی و رساله ای در زیج ملکشاهی؛ هندسه: شرح مشکلات اقلیدس که شرح نظریه خطوط موازی بود و در شعر، رباعیاتی که عالم گیر شد.

سرانجام دانشمندی که همزمان هم ریاضیات را دگرگون کرد، هم آسمان را سنجید و هم ژرف ترین پرسش های فلسفی را در چهارپاره هایی ساده جاودانه کرد، در سال ۵۱۷ هجری در نیشابور چشم از جهان فرو بست.

الهه سادات بدیع زادگان

ایکنا